

## ● نقد و معرفی کتاب

### جایگاه فرانسه در روند جهانی شدن

Hubert Vedrine, *Les cartes de la France à l'heure de la mondialisation*, Paris: Fayard, 2000, 190 pp.

موضوعات بحث شده در ۶ بخش

تحت عناوین زیر دسته‌بندی شده است:

- دنیا چگونه است؟

- جایگاه فرانسه در جهان

- چه روشی را باید در برابر آمریکا اتخاذ کرد؟

- جاه‌طلبی اروپا و عواقب دوجانبه‌ی آن

- سیاست خارجی مشترک اروپا، سیاست

خارجی ملی

- اخلاق و واقع‌گرایی

اوبر ودرین درباره‌ی روند جهانی شدن می‌گوید:

این روند سابقه‌ی طولانی دارد و پیش

از این که به شکل امروزی درآید، حرکتی پیش

رونده بوده و امروز بر سرعت و تداوم آن افزوده

شده است. در واقع جهانی شدن ادامه‌ی روند

کتاب حاضر حاوی مصاحبه‌ی

دومینیک موئیزی<sup>۱</sup> با اوبرودرین<sup>۲</sup>، وزیر امور

خارجی وقت فرانسه است. دومینیک موئیزی

معاون مؤسسه‌ی مطالعات بین‌المللی فرانسه

(IFRI)<sup>۳</sup> است.

این مصاحبه قبل از ریاست دوره‌ی

فرانسه در اتحادیه‌ی اروپا و به منظور تشریح

سیاست خارجی فرانسه در زمان جهانی شدن

صورت گرفته است و موضوعات زیر را در

بردارد: رابطه‌ی فرانسه با ابرقدرت آمریکا،

گسترش اتحادیه‌ی اروپا، ازدیاد مواد هسته‌ی،

بی‌ثباتی منطقه خاورمیانه، بالکان، آفریقا و غیره،

روابط فرانسه با روسیه و چین، نابرابری فزاینده،

بازیگران جدید، شرکت‌های چندملیتی،

رسانه‌های بانفوذ، سازمان‌های غیردولتی،

پیدایش یک جامعه‌ی مدنی بین‌المللی، دوام یا

زوال خصایص ملی، منطق واقع‌گرایی یا اخلاق.

1. Dominique Moisi.

2. Hubert Vedrine.

3. Institut Français des Relations Internationales. (IFRI)

استعماری اروپا بر تمام قاره‌هاست که از قرن ۱۶ آغاز شد و پایه‌های جهانی شدن را به شکلی که امروز شاهد فتح آنیم، استوار ساخت. جنگ‌های جهانی و کشمکش‌های اروپا برای بسط جهان، مسبب نقش امروز آمریکا در این مسیر است.

هم‌اکنون جهان یک قطبی است و از میان ۱۸۹ کشور جهان تنها امریکاست که ابرقدرت است و در تمام زمینه‌ها اعم از اقتصادی، فن‌آوری، نظامی، مالی، زبانی و فرهنگی تسلط دارد. تسلط آمریکا به دلیل عدم موفقیت کامل سایر کشورها بعد از دو جنگ جهانی بوده است. اکنون آمریکا با آرامش و تسلط در مسیر جهانی شدن حرکت می‌کند. اما نباید فراموش کنیم که جهانی شدن به معنای رسیدن به یک "طرح" امریکائی نیست، اگر چه شرکت‌های بزرگ امریکایی در این میان بیشترین بهره را می‌برند و آمریکا سیاست تجاری "درهای باز" را که سیاست انگلیس در قرن نوزدهم بود، اتخاذ کرده است. آمریکا به دلیل قدرت اقتصادی و دلایل متعدد دیگری نظیر تحمیل معیارهای قضایی، مالی یا فنی، نغمه‌سرایبی دربارہ‌ی فردگرایی، قدرت سینمایی و تلویزیونی و جذب دانشجو از سایر کشورها، بیشترین بهره‌ها را از آن خود کرده است. با این حال آمریکا به مشکلات نیز آگاه است. بخش‌های متعددی در بطن جامعه‌ی آمریکا مخالف تسریع روند

آزادسازی تجارت هستند و ما شاهد تظاهرات در سیاتل علیه سازمان تجارت جهانی و تظاهرات در واشنگتن و نیویورک علیه صندوق بین‌المللی پول بودیم. به نظر می‌رسد هدف آمریکا تسلط نیست بلکه دفاع و حمایت از خود است.

آنچه در حال حاضر مشاهده می‌شود، وجود وابستگی میان جوامع است که این وابستگی در برخی جوامع بیشتر است و در کنار این وابستگی ما شاهد پدیده‌ی دیگری به نام تعامل فکری هستیم که در تمام زمینه‌ها بیش از پیش رشد کرده است. از این رو در مورد پیدایش یک "جامعه‌ی مدنی بین‌المللی" باید گفت این امر سبب ایجاد تغییراتی درخصوص مسؤلیت‌های سیاسی و نحوه‌ی اجرای قدرت می‌شود و لزوم داشتن شناخت بیشتر در مورد حقوق بشر، مین‌های ضد نفر و محیط زیست و غیره را به همراه دارد ولی در واقع تغییری در روابط قدرت‌های جهانی به وجود نمی‌آورد، زیرا چنین جامعه‌ی نسبت به جوامع سنتی از قانون‌مندی کمتر، نظام کمتر و شفافیت کمتری برخوردار خواهد بود.

به طور کلی باید گفت جهانی شدن هم فرصت‌های جدید را ایجاد می‌کند و هم خطر و تهدیداتی را به دنبال دارد. به گفته‌ی لیونل ژوسپن، نخست وزیر فرانسه: "هر چه جهان

دولت مرکزی قوی شکل گرفته است و فرانسه نقش خاصی از نظر سیاسی، حقوقی و فرهنگی در جهان بازی کرده است. بنابراین هم اکنون فرانسه باید یک حرکت استثنایی برای تطابق خود در این روند انجام دهد. فرانسه‌ی امروز با فرانسه‌ی دهه‌ی ۵۰ تفاوت دارد و از شکل روستایی به شکل صنعتی درآمده است و نحوه‌ی زندگی در آن کاملاً تغییر کرده است در حالی که هویت فرانسوی در جای خود باقی مانده است، پس باید با حفظ هویت خود با سایرین انطباق داشته باشیم؛ این سیاست دولت فرانسه است و به کمک یک سیاست و یک دیپلماسی نوین، پویا و متعرض است که قدرت، نفوذ، موقعیت ما در جهان، عقایدمان و طرح‌هایمان قابل دفاع بوده و ارزش پیدا می‌کند. باید روش‌هایمان را با جهان تغییر یافته، منطبق سازیم.

دولت فرانسه خواهان اجرای نظم بیشتر جهت چارچوب بخشیدن به پدیده‌ی جهانی شدن است. سؤال این است که این نظم را چه کسی ایجاد می‌کند؟ شورای امنیت؟ گروه ۸؟ سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول یا اتحادیه‌ی اروپا؟ شرکت‌های جهانی یا بازارها؟ رهبران سیاسی یا قضات؟ رسانه‌های گروهی، متخصصان یا محققان؟ در این جا است که نیاز به یک سیاست خارجی که

جهانی‌تر شود، نیاز به نظم بیشتری دارد." از این رو برای تحکیم نظام مالی و تضمین سیاست صندوق بین‌المللی پول، لازم است تا کشورهای در حال توسعه قوانین مشترک را بپذیرند و به دست‌اندرکاران نظام مالی در بخش خصوصی مسؤلیت‌هایی را واگذار کنند تا بتوان به نتایجی برای حل بحران کشورها رسید. فرانسه نیز در مورد صندوق‌های مالی و نحوه‌ی اخذ مالیات و محورهای دیگر نظیر: تکمیل نهادهای بین‌المللی، احساس مسؤلیت کردن نسبت به کشورهای فقیرتر و همکاری و اجرای عدالت با آنان، تأکید بر ارزش‌های مشترک در مبارزه به منظور حمایت از کودکان، حقوق زنان، بهداشت و حفظ محیط زیست، پیشنهادهای ارائه کرده است.

در مورد جایگاه فرانسه در روند جهانی شدن، ودرین می‌گوید: پدیده‌ی جهانی شدن به طور خودکار در کشور فرانسه به کار نمی‌آید، جهانی شدن در مسیرهایی که ارتباطی با سنت و فرهنگ فرانسه ندارند، توسعه می‌یابد: در جهت اقتصاد بازار تک قطبی، بی‌اعتمادی نسبت به دولت، فردگرایی و نه جمهوری خواهی، تقویت نقش جهانی امریکا، ترویج زبان انگلیسی و ترویج بیشتر مذهب پروتستان نسبت به مذهب کاتولیک. وی می‌گوید اگر به گذشته بنگریم، مشاهده می‌کنیم که هویت فرانسه به کمک یک

بتواند با طرح‌های مختلف ارزشمند منطبق و با حداقل موانع روبه‌رو شود و حداکثر نظرات را ارائه دهد، مطرح می‌شود. سیاستی شفاف، مبتکر و پویا.

در مورد حفظ زبان فرانسه اوبرودرین می‌گوید: حفظ زبان یک امر قطعی است اما دانستن چند زبان نیز لازم است. هم اکنون کشور فرانسه برای حفظ زبان و فرهنگ خود، ۱۴۵ مرکز فرهنگی در ۸۴ کشور و ۲۶۷ مرکز آموزشی دارد که ۱۰۶ هزار دانشجوی فرانسوی و خارجی در آن مشغول تحصیل هستند، به علاوه دولت فرانسه مبلغ ۴۰۶ میلیون فرانک را به همکاری‌های فرهنگی هنری و چاپ کتاب اختصاص داده است. چرا که ما معتقدیم سرمایه‌های فرهنگی را نمی‌توان مانند سایر سرمایه‌ها خرید و فروش کرد.

اکنون هدف فرانسه در روند جهانی شدن اثبات موجودیت خود نیست، بلکه هدف اصلی میل به هم‌زیستی است. در جهانی که هدف ساخت اکثریت است، نمی‌توان عقاید یگانه را تحمیل کرد، بلکه باید تغییر در افکار و رفتار ایجاد کرد. ما در عین این که از علائق میهنی خود دفاع می‌کنیم و به موارد غیر قابل قبول "نه" می‌گوئیم ولی برای ارتقای عقاید، به موضوعات نو می‌پردازیم نظیر دفاع اروپایی، قوانین جدید بین‌المللی در زمینه‌ی اقتصاد و

امور مالی یا مبارزه علیه فساد، پیشروی صلح خاورمیانه و غیره برای ساخت اکثریت باید دیگران را متقاعد کرد و آنها را گردهم آورد و باید از تک شعار دادن پرهیز کرد.

از این رو امروز موضوعاتی که سیاست خارجی فرانسه را تشکیل می‌دهد عبارت است از: حفظ علائق ملی جهت حفظ امنیت، هویت و پیشرفت، به کارگیری نفوذ و مهارت جهت تقویت اروپا- بی‌آن که سبب تضعیف فرانسه شود- تا اروپا بتواند در آینده به صورت یک قطب درآید، اجرای نظم بیشتر و حفظ تنوع که لازمه‌ی جهان است، رفع اختلافات و بی‌عدالتی‌ها در بین ملت‌ها، اجرای یک دمکراسی پابرجا، ایجاد امتزاج بین تجربیات تاریخی از حقایق و تجربیات اخلاقی نوین در همه جا و بالاخره شناساندن افکار فرانسه به شرکا.

با توجه به معیارهای سیاست خارجی فرانسه، ودرین معتقد است که فرانسه آماده‌ی انطباق خود با روند جهانی شدن است.

کتاب حاضر با دو یادداشت از اوبرودرین و دومینیک موئیزی پایان می‌یابد. اوبرودرین در یادداشت خود می‌گوید: اولین گام، توافق بر سر واژه‌هاست. زمان بسیاری صرف شده تا واژه‌هایی برای شناخت جایگاه امریکا، فرانسه و کل جهان به کار برده شود و اگر ما بر سر

جهت ادامه‌ی حرکت‌های ضروری تشکیل دهد و اعتماد و جسارت خود را از این طریق نشان دهد.

موضع فرانسه مشخص است و فرانسه باید با امریکا همکاری کند چرا که فرانسه در زمینه‌های متعددی با امریکا همکاری می‌کند نظیر شورای امنیت و گروه ۸. ولی در عین حال فرانسه مواردی را که با امریکا اختلاف دارد در کمال آرامش بیان می‌کند.

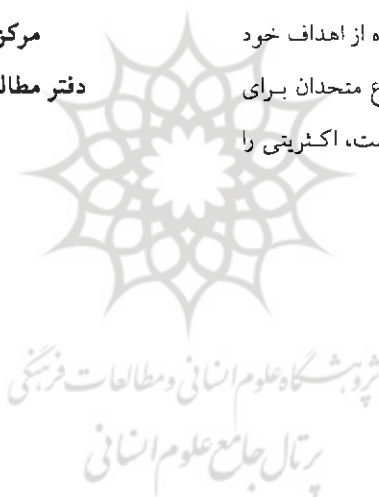
معصومه سیف آنچه‌ای

مرکز مطالعات اروپا و امریکا

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

واژه‌ها توافق داشته باشیم خیلی سریع‌تر و راحت‌تر یکدیگر را درک می‌کنیم.

وی از صحبت‌هایش چنین نتیجه می‌گیرد که فرانسه کشور بزرگی است که اگر نقش خود را خوب بازی کند و بتواند هویت و نفوذ خود را حفظ کند و برای تقویت اروپا با سازمان‌های جهانی همکاری مصراپه داشته باشد، برگ‌های برنده‌ی خواهد داشت. فرانسه باید در هزاره‌ی جدید در آرامش بوده و در ارتباط با سایرین در بازی بین‌المللی به صورت باز عمل کند، در عین این که آگاه از اهداف خود است. فرانسه می‌تواند با اجتماع متحدان برای مقابله با آنچه غیرقابل قبول است، اکثریتی را





پڙهه ڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی